



Research Article

Vol 16, Issue 1, Spring - Summer 2025, Ser 31, PP: 107-124

Title: Functions of Epistle Writing in Young Adult Literature: A study of *Light a Candle for Me*

Authors: Zahra Taheri*

Abstract: Adolescence is a period full of emotional and physical conflicts due to the onset of a young adult's interaction with all kinds of power structures, including family, school, religion, race, gender and social class. These interactions usually manifest in the form of painful experiences. In recent decades, these tensions have increased with the emergence of the cyberspace and its impact on the way young adults interact with power structures and social institutions. The tremendous impact of this space on young adults and on the way they interact with the family and power structures has led to extensive social changes in the western society, which is part of the mission of young adult literature. In fact, young adult literature, as a means that reflects the concerns, tensions, and problems of young adults, should inevitably deal with cyberspace and the ways it affects the lives of young adults. Therefore, young adult literature in Iran is also affected by the global community and the inevitable changes that have occurred, reflecting the role of the cyber space in the formation of the identity and young adults' interactions. In this regard, various works have been written, among which one can refer to the novel *Light a Candle for Me* (2017) written by Maryam Mohammad Khani.

Key words: epistolary novel, technorealism, young adult literature, polyphony, Maryam Mohammad Khani

Received: 2024-06-19

Accepted: 2024-08-26

* Assistant Prof in English Language and Literature, University of Kashan, Kashan, iran

ztaheri@kashanu.ac.ir

DOI: 10.22099/JCLS.2024.50475.2050



COPYRIGHTS ©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY-NC 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the Original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publisher.



کارکرد نامه‌نگاری الکترونیک در ادبیات نوجوان: بررسی رمان *برایم شمع روشن کن*

زهرا طاهری* 

چکیده

مقاله‌ی حاضر به بررسی مقوله‌ی نامه‌نگاری الکترونیک و کارکرد آن در ادبیات نوجوان می‌پردازد. نویسنده با بهره‌گیری از نظریات منتقدانی نظیر الیزابت کمپل و ویکتوریا فلنگن و تمرکز بر موضوعاتی نظیر «شهروندگری فرامرزی»، ساختار «تکنورئالیستی» و «بیناسوژه‌گی»، در پی پاسخ به این پرسش بنیادی است که چگونه می‌توان از تکنیک نامه‌نگاری الکترونیک در راستای بازتعریف تعامل نوجوان با ساختارهای قدرت بهره جست؟ بدین منظور رمان *برایم شمع روشن کن* (۱۳۹۷)، نوشته‌ی مریم محمدخانی بررسی می‌شود تا با استفاده از شیوه‌ی توصیفی تحلیلی به چگونگی تأثیر تکنیک نامه‌نگاری الکترونیک بر بازتعریف هویت زنانه و چالش ضوابط حاکم بر تعاملات فردی پرداخته شود. چنین استدلال می‌شود که کاربرد تکنیک نامه‌نگاری، به‌ویژه در آثار زنانه، نوعی روایت غیرخطی و چندپاره را به‌دست می‌دهد که پدیده‌ی تکرار و کاربرد غیرمرسوم زبان، جزء جدانشدنی آن است. افزودن فضای سایبری به این ساختار به پررنگ‌شدن ماهیت چندصدایی این آثار و ایجاد تغییری چشمگیر در تعریف هویت زنانه و چگونگی تعامل آن با نهادهای قدرت و سلسله‌مراتب‌های جنسیتی می‌انجامد. به‌دیگرسخن، با شکل‌گیری واقعیت مجازی، مقوله‌ی هویت فردی، دیگر مقهور گفتمان اصالت وجود نیست؛ بلکه متشکل از هویت‌های واقعی و مجازی وی است. این امر، ماهیت «برساختی» و «کنشی» هویت را برجسته می‌کند و آن را پدیده‌ای فرای مقوله‌های آناتومی، نژاد و مذهب تعریف می‌کند. در پی این امر، سوژکتیویته‌ی زنانه متأثر از ماهیت جمع‌گرایانه‌ی فضای سایبری، به مقوله‌ای سیال تبدیل می‌شود که زین‌پس نه تنها محصور هنجارهای جنسیت‌مدارانه نیست، بلکه ارزش‌های فرهنگ حاکم را نیز واژگون می‌کند.

واژه‌های کلیدی: ادبیات نوجوان، تکنورئالیسم، رمان نامه‌نگارانه، سوژکتیویته‌ی زنانه، فضای سایبری.

* استادیار زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران ztaheri@kashanu.ac.ir



۱. مقدمه

نوجوانی، دورانی سرشار از تعارضات عاطفی و جسمی است؛ زیرا نوجوان نه تنها باید به ساختارای اجتماعی که ماهیت وی را شکل می‌دهند آگاهی یابد، بلکه می‌بایست روش‌های تعامل با انواع ساختار قدرت را بیاموزد تا بتواند به‌عنوان عضوی از اجتماع پذیرفته شود و ایفای نقش کند. تعامل با این نهادها و ساختارها که شامل خانواده، مدرسه، مذهب، نژاد، جنسیت و طبقه‌ی اجتماعی هستند، معمولاً در قالب تجاربی دردناک تجلی می‌یابد که نوجوان محکوم به تجربه‌ی روزانه‌ی آن‌هاست. از این رو ناامیدی و تردید، بخش جدایی‌ناپذیر دوران نوجوانی را شکل می‌دهند. در دهه‌های اخیر این تنش‌ها با دسترسی فزاینده‌ی نوجوانان به فضای سایبری، اوج بیشتری گرفته است و نحوه‌ی تعامل نوجوان با ساختارهای قدرت و نهادهای اجتماعی را متأثر کرده است؛ افزون بر این، دسترسی به فضای سایبری، امکان شرکت نوجوان در تعاملات اجتماعی متنوع را از راه دور و از فضای امن خانه فراهم آورده است. این امر از یک سو به شکاف نسلی بین والدین و نوجوانان دامن می‌زند و از سوی دیگر نوجوانان را به گردانندگان اصلی فضای اجتماعی تبدیل می‌کند؛ زیرا «برای نخستین بار در تاریخ، نوجوانان به والدین خویش از اعتماد به نفس، سواد و دانش بالاتری درباره‌ی این پدیده‌ی نوین برخوردارند. این نوجوانان در حال آموختن، بازی، تعامل، فعالیت و خلق اجتماعی متفاوت از والدین خویش هستند؛ آن‌ها [درواقع] نیروی محرکه‌ی تغییرات اجتماعی به‌شمار می‌روند» (Tapscott, 1998: 1-2). در نتیجه‌ی شکل‌گیری این اجتماعات، قالب فعالیت‌های روزانه‌ی نوجوان به فضای سایبری منتقل می‌شود و ماهیت مفاهیمی مانند دولت، ملت، حکمرانی و فعالیت سیاسی را به تدریج دستخوش تغییر قرار می‌دهد (رک. Flanagan, 2014: 71). شاید یکی از علل محبوبیت فضای سایبری را بتوان امکان شکل‌گیری چنین اجتماعاتی برشمرد؛ اجتماعاتی که امکان مشارکت در آن‌ها به‌نحوی یکسان برای انواع مخاطبین از جمله قشر نوجوان فراهم است و نوعی از مساوات و عدالت اجتماعی را القا می‌کنند. از این رو می‌توان گفت که با شکل‌گیری فضای سایبری، جامعه‌ای نوین همگام با جهان واقعی شکل گرفته است که عمده‌ی شهروندان آن را قشر نوجوان تشکیل می‌دهد. با پیدایش این جهان، پدیده‌ای نوین با عنوان «شهروندی فضای سایبری»^۱ رقم خورده است که برخلاف دنیای واقعی، برای نوجوانان امکان برخورداری از حقوق کامل شهروندی را فراهم می‌کند (ibid: 71). این ماهیت دموکراتیک، سبب شده است که قشر نوجوان، آگاهانه بخش زیادی از زمان روزانه‌ی خود را صرف تعامل و کنشگری در فضای مجازی کند و به تبع آن، تأثیرپذیری این قشر از این فضا دوچندان شود.

تأثیر شگرف این فضا بر سبک زندگی نوجوانان و بر چگونگی تعامل آن‌ها با نهاد خانواده و ساختارهای قدرت در جامعه، به تغییرات گسترده‌ی اجتماعی در جامعه‌ی غربی منجر شده که پرداختن به آن‌ها بخشی از رسالت ادبیات نوجوان است. درواقع، ادبیات نوجوان به‌منزله‌ی ابزاری در راستای انعکاس نگرانی‌ها، تنش‌ها و مشکلات دوران نوجوانی و تلاش برای ارائه‌ی مکانیسمی در راستای حل این دغدغه‌ها، ناگزیر از پرداختن به فضای سایبری و چگونگی تأثیر آن بر زندگی نوجوانان در دو دهه‌ی اخیر شده است. در ایران نیز پرداختن به این موضوع در دهه‌ی اخیر به دلیل افزایش میزان مشارکت نوجوانان در فضای سایبری امری ضروری است. از این رو، ادبیات نوجوان در ایران نیز متأثر از جامعه‌ی جهانی و تغییرات رخ داده، ناگزیر از انعکاس نقش فضای سایبری در شکل‌گیری هویت و نحوه‌ی تعامل گروه نوجوان است. در این راستا آثار متنوعی نیز نوشته شده است که از این میان می‌توان به رمان *برایم شمع روشن کن* (۱۳۹۷) نوشته‌ی مریم محمدخانی

^۱ digital citizenship

اشاره کرد. اثر محمدخانی، علی‌رغم پیرنگی سنتی و رئالیستی مبتنی بر نامه‌ی الکترونیک (ایمیل) پیش می‌رود و نقش نامه‌نگاری در پیرنگ داستان چنان برجسته است که اثر محمدخانی را نه تنها از یک رمان رئالیستی صرف به اثری «تکنورئالیستی»^۱ مبدل کرده است، بلکه نوع ادبی جدیدی را خلق کرده است که از آن به رمان «نامه‌نگارانه‌ی مدرن»^۲ تعبیر می‌شود. با این مقدمه، این پژوهش در پی آن است که با تکیه بر نظریات منتقدانی نظیر الیزابت کمپل و ویکتوریا فلنگن و تمرکز بر سبک نامه‌نگارانه، به پرسش‌های زیر پاسخ دهد: چگونه استفاده از نامه‌ی الکترونیک، ساختاری تکنورئالیستی به اثر محمدخانی بخشیده است؟ نقش فضای سایبری در شکل‌گیری هویت نوجوان و تعریف وی از «خود» و نهادهای اجتماعی در اثر محمدخانی چیست؟ چگونه محمدخانی از استراتژی نامه‌نگاری الکترونیک در انعکاس و بازتعریف تعامل نوجوان با نهادها و ساختارهای قدرت بهره جسته است؟

۲. پیشینه‌ی پژوهش

علی‌رغم آنکه اثر محمدخانی موفق به کسب جایزه‌ی لاکپشت پرنده شده است، مطالعات چندانی بر روی اثر وی انجام نشده است. مهم‌ترین و جدیدترین پژوهش مربوط به محمدزاده و علی‌اکبری (۱۴۰۲) است که در مقاله‌ی خود به بررسی مقوله‌ی خواننده‌ی پنهان در اثر محمدخانی پرداخته‌اند و از رویکرد چمبرز^۳ در راستای کشف میزان مشارکت خواننده در این اثر استفاده کرده‌اند. در حوزه‌ی بررسی نقش تکنیک نامه‌نگاری در ادبیات نوجوان و تأثیر آن بر تعریف نوجوان از «خود»، پژوهش خاصی بر روی آثار ادبیات فارسی صورت نگرفته است؛ اما در ادبیات بین‌الملل می‌توان به چندین پژوهش در حوزه‌ی ادبیات نوجوان اشاره کرد. برای مثال دنکوا^۴ (۲۰۱۵) در مقاله‌ی خود، انواع کاربردهای این تکنیک را در قالب نامه‌نگاری سنتی و الکترونیک در سه اثر گورجن پتروفسکی^۵ نویسنده‌ی مقدونیه‌ای بررسی می‌کند. هرثاوسر^۶ (۲۰۱۵) در پژوهشی دیگر به بررسی «وقفه‌های» ایجادشده در روایت رمان‌های نامه‌نگارانه می‌پردازد. از منظر وی، این وقفه‌ها به تغییرات روایی و زبانی در متن اثر منجر می‌شوند و درک این آثار را برای خواننده چالش‌برانگیز می‌کنند. وِسِرمن^۷ در پژوهشی دیگر به چگونگی کاربرد فرمت نامه‌نگاری در رمان نوجوان و نقش آن به منزله‌ی ابزاری برای ورود به ذهن قهرمان داستان و مشاهده‌ی تنش‌های هویتی می‌پردازد. با وجود این، نویسنده‌ای به بررسی کاربرد نامه‌ی الکترونیک در راستای تعریف هویت دخترانه و چگونگی تعامل دختران با نهادهای قدرت نپرداخته است؛ از این رو این پژوهش رویکردی نوین در این زمینه محسوب می‌شود.

^۱ technorealist

^۲ e-pistolary

^۳ Chambers

^۴ Denkova

^۵ Gorjan Petrevski

^۶ Herzhauser

^۷ Wasserman

۳. روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش، کیفی و از نوع تحلیلی توصیفی است. در این پژوهش، اثر محمدخانی از حوزه‌ی ادبیات نوجوان، تحلیل و بررسی شده است تا به تأثیر کاربرد نامه‌نگاری و استفاده از فضای مجازی بر درک نوجوان از «خود» فردی و نهادهای قدرت پردازد. بدین‌منظور، پژوهشگر به‌مقایسه‌ی دونوع واقعیت بیرونی و مجازی در طول داستان می‌پردازد تا کنش‌گری نوجوان را در فضای واقعی بیرون و در فضای مجازی بررسی کند و هرنوع تفاوت رفتاری و ادراکی را شناسایی کند. در این بررسی، پیش‌فرض آن است که تأثیرات فرهنگی و اجتماعی فضای سایبری در قالب نحوه‌ی تعامل نوجوان با «خود» و ساختارهای جنسیتی و نظارتی حاکم بازنمایی می‌شود.

۴. بحث و بررسی

۴.۱. ادبیات نامه‌نگارانه و فضای سایبری

از میان انواع نثر تخیلی و غیرتخیلی هیچ‌کدام به‌اندازه‌ی «نامه» در معرض تعریف انتقادی و دسته‌بندی قرارنگرفته است. آنچه نوع ادبی نامه‌نگارانه را از رمان‌های اتوبیوگرافی رئالیستی (همچون خاطرات روزانه^۱) متمایز می‌کند، تمایل یا تقاضای مبادله‌ی اطلاعات است. بنابراین در مبادله‌ی نامه، از خواننده‌ی نامه انتظار پاسخگویی می‌رود و بنابراین خواننده به‌منزله‌ی نویسنده‌ی این نوع از روایت به پیشروی روایت کمک می‌کند. رمان نامه‌نگارانه پدیده‌ی نوینی نیست و قدمت آن به نیمه‌ی اول قرون هجده میلادی، هم‌زمان با ظهور رمان در غرب می‌رسد. درواقع تکنیک نامه‌نگاری از نخستین تکنیک‌های استفاده‌شده در رمان‌نویسی است که ازسوی نویسندگان غربی ازجمله ریچاردسون در رمان *پاملا* (۱۷۴۰)^۲ استفاده می‌شده است و از آن در راستای پیش‌برد پیرنگ اثر بهره می‌جستند.

آنچه در تعریف رمان نامه‌نگارانه ویژگی بنیادی به‌شمار می‌رود، تعامل مابین شخصیت‌ها با استفاده از روش نامه‌نگاری است. از منظر الیزابت کمپل^۳، رمان نامه‌نگارانه به‌طورکلی به «تبادل نامه بین دو یا چند فرد، یا تبادل یک نامه یا بیشتر بین یک فرد با فرد یا افرادی دیگر اشاره دارد» (Campbell, 1995: 333). از منظر کمپل، رمان نامه‌نگارانه به رمان‌هایی که پیرنگ آن‌ها صرفاً مبتنی بر تبادل نامه است محدود نمی‌شود؛ بلکه اگر پیرنگ داستانی با استفاده از نامه تعیین شود، به پیش رود و پایان یابد نیز می‌تواند رمان نامه‌نگارانه تلقی شود (ibid). سرعت آرام روایت و فقدان حوادث بسیار در پیرنگ، از دیگر ویژگی رمان نامه‌نگارانه است. در نوع کلاسیک و اولیه‌ی خود، رمان نامه‌نگارانه به دو دسته‌ی کلی طبقه‌بندی می‌شوند: آثاری که بر مقوله‌ی هویت متمرکز هستند و آثاری که موضوع اغواگری را برجسته می‌کنند. درحالی‌که در نوع نخست، به‌واکای شخصیتیِ قهرمان داستان پرداخته می‌شود (ازجمله رمان‌های تربیتی^۴ نظیر *بابالنگ‌دراز*^۵)، نوع دوم متمرکز بر اغواگری است و به‌رمان‌هایی اشاره دارد که زنی از طبقه‌ی پایین ازسوی کارفرمای خود اغوا می‌شود و این ماجراها به‌وسیله‌ی قهرمان زن داستان و از طریق نامه برای یکی از دوستان یا یکی از اقوام شرح داده می‌شوند. این دو موضوع،

^۱ diary

^۲ Pamela

^۳ Elizabeth Campbell

^۴ bildungsroman

^۵ Dady-Long_legs

ماهیتی احساسی و هیجانی به رمان‌های نامه‌نگارانه‌ی اولیه‌ی بخشیده که معمولاً با «انزوای» شخصیت اصلی و فاصله گرفتن وی از جامعه‌ی بیرون همراه است. این انزوا تلاشی در راستای هماهنگی فرد با خود و مدیریت احساسات و بیان درست آن‌ها برای مخاطب خویش است. به گفته‌ی روث پری^۱: «آنچه نویسندگان آن نامه‌ها در تنهایی و انزوای خود انجام می‌دادند، هسته‌ی اصلی داستان نامه‌نگارانه بود. فرایندی خودآگاه و تکرارشونده از خودکاوی احساسی که شتاب می‌گیرد و در نهایت از ارتباط فرد با هرکس، بیرون فضای اتاق، مهم‌تر می‌شود» (Perry, 1980: 110).

این خودواکاوی به آثار نامه‌نگارانه‌ی اولیه ماهیتی روانشناختی می‌بخشید، به طوری که نوشتن نه تنها ابزاری در راستای کشف روحيات فردی بود؛ بلکه زمینه‌ی «فرار فرد از نسخه‌ی وجودی پیشین را که دیگر تمایلی برای زیست با آن نبود»، فراهم می‌آورد (رک. Campbell, 1995: 346). این ویژگی‌ها سبب شد که کمپل رمان نامه‌نگارانه را سبک دلخواه نویسندگان زن برشمرد؛ زیرا از منظر کمپل، «نوشتار»، روش زنان در مسیر دستیابی به آزادی و یافتن خویشتن خویش در دنیایی است که آن‌ها را خاموش و ضعیف می‌خواهد (ibid: 332). در رمان نامه‌نگارانه، این فرایند نوشتار در نوشتار، مضاعف شده است و ابزار بهتری برای شنیده شدن صدای زنانه و آزادی بیان به دست می‌دهد؛ زیرا در رمان نامه‌نگارانه، صرف عمل نوشتن، پیرنگ داستان را به پیش می‌برد و تلاش برای شنیده شدن، بیش از به سرانجام رساندن روایت ارزشمند است. از این رو، به اعتقاد کمپل، رمان نامه‌نگارانه نقاط مشترک بسیاری با «نوشتار زنانه»^۲ مطرح شده از سوی منتقدان فرانسوی مانند هلن سیکسو^۳ و اریگاری^۴ دارد. این اشتراک از آنجا نشأت می‌گیرد که در رمان نامه‌نگارانه همانند نوشتار زنانه «ساختارهای زبان‌شناختی، دستوری و سنن روایتگری غربی» زیر سؤال می‌روند (رک. Showalter, 1985: 9).

به دیگر سخن، ویژگی‌هایی چون بحران هویت، چندپارگی متن^۵، روایت غیرخطی، تکرار، ارتباط‌های غیرمنطقی یا تداعی گرانه و کاربرد غیرمرسوم زبان موجود در رمان نامه‌نگارانه، آن را بیش از پیش به «نوشتار زنانه» نزدیک می‌کند (Campell, 1995: 335). از منظر آلتمن^۶، ویژگی‌هایی نظیر چندصدایی، چندکانونی، شرح نفس و سوژکتیویته، رمان نامه‌نگارانه را بسیار به آثار مدرنیستی به‌ویژه آثار مبتنی بر «جریان سیال ذهن» نزدیک می‌کند (رک. Altman, 1982: 195). شاید دلیل این امر، ماهیت احساسی و فردگرایانه این نوع آثار، به‌ویژه از سوی نویسندگان زن، باشد؛ زیرا یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این نوع رمان، به گفته‌ی آلتمن، «ماهیت اعترافی»^۷ آن است. دلیل این امر از منظر کمپل آن است که

زنان وجود خودشان را در نامه‌ها ارسال می‌کنند [با آنکه]، به حضور گیرنده‌ی نامه‌هایی که می‌نویسند و ارسال می‌کند آگاه هستند. [زنان]، به‌ویژه در رمان‌های اخیر، نامه را مصداق آینه‌ای در نظر می‌گیرند که در آن به واکاوی خویش می‌پردازند. آلتمن، نشان می‌دهد که زنان نویسنده‌ی رمان نامه‌نگارانه، به تشریح خودآگاه خویش در نامه‌ها می‌پردازند، زیرا فرمت نامه با ماهیتی جدایی‌انداز ولی واسطه‌گرانه، به نویسنده مجال آنچه را که در حضور گیرنده امکان بیان ندارد، می‌دهد. یکی از قواعد رمان نامه‌نگارانه آن است که تعداد بی‌شماری نامه نگاشته می‌شود، بی‌آنکه

¹ Ruth Perry

² l'écriture féminine

³ Helen Cixous

⁴ Irigaray

⁵ fragmentation

⁶ Janette Altman

⁷ confessional

هرگز ارسال شوند یا امید به پاسخی پس از ارسال آن‌ها برود. همین‌که نگاشتن نامه آغاز شود، نویسندگان در ظاهر مشغول گفت‌وگو با خویش هستند؛ علی‌رغم آنکه خواننده حضور دائم دارد، نویسنده در واکاوی خویش غرقه می‌شود (Campell, 1995: 336).

ادبیات نوجوان، ماهیتی شبیه ادبیات زنانه دارد، زیرا نوجوانان نظیر زنان، اقلیت درحاشیه شمرده می‌شوند که اغلب ازسوی ساختارهای قدرت، نادیده گرفته شده و صدایشان کمتر شنیده می‌شود. در نتیجه، ادبیات نامه‌نگارانه‌ی نوجوان نیز کارکردی مشابه به آثار نامه‌نگارانه‌ی زنانه دارد که ضمن فراهم آوردن فضایی مناسب، نوجوان را در راستای شناخت طبیعت بی‌قرار و نامتعادل خویش و فضای اجتماعی یاری می‌کند. افزون‌بر این، به‌گفته‌ی ترایتز^۱ رمان نامه‌نگارانه به این دلیل برای قشر نوجوان بسیار مناسب است که از یک سو ساختارهای قدرت اجتماعی را به وی می‌آموزد و ازسوی دیگر چگونگی «تعامل با لایه‌های مختلف قدرت موجود در نهادهای مختلف اجتماعی را به وی یاد می‌دهد» (Trites, 2000: 3). افزون‌بر آن، همان‌طور که پری اشاره کند، این نوع از رمان قادر است «عمیق‌ترین حقایق پنهان‌شده در وجود یا ذهن فرد را بیان کند» (Perry, 1980: 107). ازاین‌رو «شرح نفس درونی شکل گرفته در این نوع رمان، می‌تواند به‌تغییرات سازنده منجر شود» (Stringer, 1997: 42)؛ زیرا در این دوران، ادراک نوجوان از «خود» وجودی خویش، فردی نابهنجار است که وی را از مابقی همسن‌وسالان متمایز و منزوی می‌کند. بنابراین، ماهیت اعترافی رمان نامه‌نگارانه، می‌تواند برای نوجوان در کنارآمدن با تنش‌هایی از این نوع، بسیار کمک‌کننده باشد. افزون‌بر این، از آنجاکه «یادگیری نوجوان اغلب در مصاف با مفاهیم و ترس‌های آزاردهنده‌ی درونی وی اتفاق می‌افتد»، رمان نامه‌نگارانه فضایی برای وی فراهم می‌آورد تا با رویارویی با این دیوهای درونی، به‌خلق افکار و شخصیت خویش دست بزند (ibid: 92)؛ زیرا «فرورفتن نوجوان به دنیای درونی خویش، در شرایط بحرانی، امری کاملاً عادی شمرده می‌شود» (Wasserman, 2003: 55).

به‌علاوه، از آنجاکه این سفر به درون، عمدتاً در انزوا انجام‌پذیر است، چنین خودافشایی و شرح نفسی معمولاً ناگزیر از انزوای اجباری یا انتخابی نویسنده‌ی این نامه‌هاست. در رمان نامه‌نگارانه‌ی مدرن، نوجوان بیشتر از جامعه‌ی پیرامونی به‌اجبار یا خودخواسته دوری می‌جوید تا با نامه‌نگاری سفری به‌درون خویشتن خویش آغاز کند. ازاین‌رو می‌توان گفت که نامه‌نگاری برای نوجوان در عصر حاضر می‌تواند «به‌منزله‌ی ابزاری در خدمت بازسازی، بازتاب، بازگرداندن، نگاشتن و بازنویسی زندگی وی باشد» (Altman, 1982: 195). با تغییرات اجتماعی رخ داده، آثار نامه‌نگارانه در عصر حاضر، دیگر به‌شرح صرف درون‌مایه‌های رمان‌های کلاسیک نظیر غم هجران، اغواگری یا پشیمانی از عشقی نافرجام محدود نمی‌شوند. به‌این دگرگونی محتوایی، باید ظهور فضای سایبری را نیز اضافه کرد که ساده‌ترین تغییر ناشی از آن، جایگزینی نامه‌نگاری الکترونیکی (ایمیل) با نامه‌نگاری کلاسیک است. تمایل روزافزون نوجوانان به‌مشارکت در فضای سایبری به محبوبیت آثار نامه‌نگارانه در ادبیات نوجوان معاصر منجر شده است. به‌دیگرسخن، دسترسی روزافزون به این فضا باعث شده است تا تعداد آثار نامه‌نگارانه مبتنی بر این فضا نیز افزایش یابد؛ زیرا رسالت ادبیات نوجوان پرداختن به مسایل و انعکاس زندگی واقعی نوجوانان است. اما محبوبیت روزافزون این نوع ادبی به امری فراتر از آزادی بیان و شرح نفس صورت گرفته در این نوع آثار مربوط می‌شود؛ زیرا صرف فرایند نامه‌نگاری، مبتنی بر پیش‌فرض ارتباط با دیگری و پاسخ‌گویی است و به‌نوعی بر حضور دیگری و هم‌گرایی تأکید می‌کند.

¹ Trites

از این رو می‌توان محبوبیت این نوع ادبی در عصر حاضر را بیش از هر چیز به تمایل فزاینده‌ی نوجوانان به مشارکت در فضای سایبری و ماهیت سیال و غیرسلسله‌مراتبی این فضا مرتبط دانست. فضایی که برخلاف محدودیت‌های اجتماعی حاکم بر زندگی نوجوان، عرصه‌ای دردسترس و یکسان را در اختیار همه قرار می‌دهد، به‌طوری‌که در آن صدای همگان، فارغ از تمامی سلسله‌مراتب‌های سیاسی، جنسیتی، قومی و مذهبی حاکم شنیده می‌شود. به‌علاوه، امکان دسترسی آسان به این فضا از محیط امن خانه، به کنشگری بالاتر این افراد در قیاس با فضای اجتماعی منجر می‌شود؛ زیرا این فضا «دربگیرنده‌ی افرادی از دیگر فرهنگ‌ها و حتی کل جهان است که به نوجوان حسی از تعلق و ارتباط با اجتماعاتی با علایق مشترک القا می‌کند؛ این نوع از فضا [به‌ویژه] برای قشر نوجوانی که از منظر زبان‌شناختی و تفاوت‌های فرهنگی در مدراس به‌حاشیه رانده شده، بالقوه جریان‌ساز است» (McNeill, 2012: 74). چنین آثاری، افزون‌بر دعوت نوجوان به کنشگری در عرصه‌ی اجتماعی و فرهنگی، افق گسترده‌تری را در برابر وی می‌گشاید و امکان تجربه‌ی «شهروندی فرامرزی»^۱ را برای وی فراهم می‌آورد؛ به‌دیگرسخن، محدودیت‌های اجتماعی اعمال‌شده بر نوجوان و نبود امکان شکل‌گیری حسّ تعلق به مکانی خاص، به شکل‌گیری هویتی سیال در وی منجر می‌شود که به ارتباط وی با دیگر افراد در سطح جهانی در ورای تقابل‌های دوگانه‌ی نژادی، مذهبی و جنسیتی می‌انجامد. این «شناوری» راز جذابیت فضای مجازی برای قشر نوجوان است. حال اگر در آثار نامه‌نگارانه، نامه‌ی اکرونیک جایگزین نامه‌ی سنتی شود، این سیالیت به‌دلیل ویژگی «بینایی» نامه، نه حضور محض و نه غیبت تام، نه فراق کامل و نه وصال دائم، افزون‌تر می‌شود (رک. Altman, 1962: 196) و نوع جدیدی از ادبیات نامه‌نگارانه‌ی مدرن را رقم می‌زند که در بیشتر ویژگی‌ها به ادبیات تکنورئالیسمی شباهت دارد.

اگر ادبیات تکنورئالیستی به‌آثاری اطلاق شود که «با استفاده از تکنیک‌های زبان‌شناختی و گرافیکی، کاربرد رسانه‌های اجتماعی برخط مانند بلاگ‌ها، پیام‌رسان‌های فوری، اتاق‌ها و تالارهای گفت‌وگو را شبیه‌سازی می‌کنند» و از نوآوری‌های متنی نظیر «چندپارگی روایی، چندکانونگی، اختلاط ژانری و غیره» بهره می‌جویند (Flanagan, 2014: 155)، در آثار نامه‌نگارانه‌ی مدرن نیز مکاتبه‌ی الکترونیک بین دو یا چند فرد شبیه‌سازی می‌شود. نتیجه‌ی این امر، خلق ادبیاتی چندوجهی / چندرسانه‌ای^۲ در این آثار است که «به شکل‌گیری گفتمان روایی چندصدا می‌انجامد» (Hallet, 2018: 127). به‌گفته‌ی حالت، این «ادبیات چندوجهی» زاده‌ی اشکال متنی و سمبولیک متنوعی است که به روایت رمان شکل می‌دهند (ibid: 130)، اما در عین حال ویژگی‌های منحصر به فرد خود را در متن روایی حفظ می‌کنند؛ یعنی، این عناصر «در متن روایی به همان شکل اولیه‌ی خود مشخص هستند و صرفاً تقلید و بازتولید می‌شوند» (ibid: 132).

علی‌رغم این ویژگی‌های منحصر به فرد، اهمیت ویژه‌ی آثار نامه‌نگارانه‌ی مدرن را می‌توان به دگرگونی ایدئولوژیکی در چگونگی مفهوم‌سازی واقعیت مجازی مربوط دانست. به‌دیگرسخن، اگر ظهور فضای سایبری در ابتدا به شکل‌گیری تقابل دوگانه‌ی بین «واقعیت مادی» / «واقعیت مجازی» (و به تبع آن، هویت واقعی / هویت مجازی) منجر شده است و همواره با ترس والدین به‌خاطر دسترسی نوجوانان به فضای سایبری همراه بوده است، در آثار نامه‌نگارانه‌ی مدرن، همانند ادبیات «تکنورئالیستی»، بر تأثیر مفید فضای مجازی بر قشر نوجوان و شکل‌گیری هویت فردی، اجتماعی و سیاسی آن‌ها، علی‌رغم

^۱ Transnational citizenship

^۲ multimodal

اذعان به تهدیدهای موجود در این فضا، تأکید می‌شود. بر کسی پوشیده نیست که با رشد فضای مجازی و گسترش دسترسی به آن، واقعیت مجازی جدای از واقعیت زندگی روزانه‌ی نوجوان نیست. درواقع این فضا بخشی از زندگی نوجوان است که نحوه‌ی تعامل در آن در شکل‌گیری سوژکتیویته‌ی وی بسیار تأثیرگذار است. از منظر نونس،^۱ این فضا چنان با زندگی نوجوان معاصر درهم‌آمیخته که درک وی از ماهیت این فضا مشابه‌ی ادراک وی از یک فضای واقعی است (رک. Nunes, 1999: 61). از این رو به‌کارگیری تکنولوژی دیجیتال مانند بلاگ، ایمیل، اتاق‌های گفت‌وگو و... در آثار ادبی، پاسخی به نیاز روزمره‌ی نوجوان شمرده می‌شود. ماحصل بازنمایی تکنولوژی‌های دیجیتال در این آثار، نوعی «بینامتنیت» است که ماهیتی تعاملی بین انواع مختلف فعالیت‌های نوشتاری برخط و سنتی رقم می‌زند و فضای اینترنت را برای شکل‌گیری انواع خودنوشت‌نامه‌های^۲ غیرسنتی مناسب می‌سازد (رک. Flanagan, 2014: 161). به همین علت است که هی‌لیز^۳ واقعیت مجازی و واقعیت مادی را مکمل یکدیگر برمی‌شمرد تا در تقابل با یکدیگر (رک. Hayles, 1993: 41). اگر رابطه‌ی مابین این دو نوع «واقعیت» از نوع مکملی باشد، هویت‌های واقعی و مجازی نوجوان نیز ماهیت مکملی برای یکدیگر دارند؛ به دیگر سخن، هویت نوجوان صرفاً به‌هویت وی در دنیای واقعی محدود نمی‌شود و ماحصل عملکردهای وی در دو فضای واقعی و مجازی خواهد بود. بنابراین، می‌توان گفت که فضای سایبری «نقشی محوری در رشد سوژکتیویته‌ی نوجوان ایفا می‌کند، به‌ویژه که در این فضا کلیه‌ی تعاملات مرئی هستند» (Flanagan, 2014: 163). در چنین شرایطی، «تمامی موضوعات مربوط به دوران نوجوانی، مانند صمیمیت، مقوله‌های جنسی و هویت، همگی تحت تأثیر فضای سایبری دستخوش تغییر می‌شوند» (Subrahmanyam and Greenfield, 2008: 140). از آنجاکه این آثار ادبی در این حوزه، مبتنی بر نوعی «تعامل» هستند، این نوع ادبیات ناگزیر از «چندزبانگی»^۴ است که اغلب در انواع گفتار به‌کارگرفته شده از سوی نوجوان به‌نمایش گذاشته می‌شود. این ویژگی، به آثار نامه‌نگارانه‌ی مدرن، ماهیتی «جمع‌گرایانه»^۵ می‌بخشد که نقشی به‌سزا در رشد هویت نوجوان ایفا می‌کنند. از این روست که به اعتقاد مک‌نیل^۶ فضای مجازی مفاهیم سنتی مرتبط با هویت نوجوان را دگرگون کرده است؛ درواقع:

این «خود» شبکه‌ای [که بر روی سکوهایی نظیر فیس‌بوک ساخته می‌شود] بر ماهیت جمع‌گرایانه‌ی سوژکتیویته تأکید می‌کند و پیش‌فرض سوژه‌ی انسانی مستقل مورد حمایت گفتمان انسان‌گرای لیبرال را به‌چالش می‌کشد. مفهوم نسبت‌مندی که نظریه‌ی خودنوشته‌ها و دگرنوشته‌ها را بازنگری کرده، به بیان این استدلال می‌پردازد که شرح‌حال‌های نوشته‌شده از سوی افراد، در خلاء اجتماعی تولید نمی‌شوند؛ بلکه هویت و روایتی که شاکله‌ی وجودی آن آثار را می‌سازند با [هویت و روایت] «دیگری» درهم آمیخته است. (McNeill, 2012: 73).

در نتیجه‌ی این امر، «بیناسوژه‌گی»^۷ در جامعه‌ی متأثر از فضای مجازی، به پدیده‌ای مرسوم تبدیل می‌شود و دیگر از آن سوژکتیویته‌ی قائم‌به‌ذات مستقل و فردگرای گفتمان انسان‌گرای لیبرال مدعی می‌شود، خبری نیست (رک. Flanagan,

¹ Nunes

² autobiography

³ Hayles

⁴ heteroglossia

⁵ collective

⁶ McNeill

⁷ intersubjectivity

171: 2014). این امر، دلیل عمده‌ی جذابیت این فضا برای قشر نوجوان است، زیرا این فضا برای آن‌ها امکان تجاربی را فراهم می‌آورد که در فضای واقعی گاه ناممکن می‌نمایند. اما آنچه نباید فراموش شود آن است که هویت فردی، علی‌رغم آنکه می‌تواند تحت‌تأثیر ماهیت جمع‌گرایانه‌ی فضای سایبری به پدیده‌ای سیال و شناور تبدیل شود، اما از هم‌گسیخته نمی‌شود؛ بلکه بالعکس می‌تواند نوعی رهایی و استقلال از سیطره‌ی همه‌جانبه‌ی چارچوب‌های پیشین را تجربه کند. همان‌طور که کوین رابینز^۱ نیز اشاره می‌کند: «لذت زیست و تجربه‌ی مجازی، از حس تعالی و رهایی از جهان مادی و مجسم نشأت می‌گیرد» (Robins, 2000: 79).

بنابراین سوژه در فضای مجازی، به‌گفته‌ی فلنگن، قادر به فرار از هویت تجسم‌یافته‌ی خویش نیست: «ماهیت سیال و آستانه‌ای فضای مجازی، این امکان را فراهم می‌آورد که فرد رفتاری برخلاف هنجار رایج انجام دهد» (Flanagan, 2014: 176). این ویژگی، جذابیت فضای مجازی را برای نوجوان دختر که با محدودیت‌های اجتماعی بیشتری درگیر است، دوچندان می‌کند؛ یعنی فضای مجازی برای دختران این فرصت را فراهم می‌کند که دور از نظارت والدین و قضاوت‌های منفی همسالان خویش به‌فعالیت بپردازند. به‌دیگرسخن، ماهیت جمع‌گرایانه و در نتیجه حمایتی این فضا و همچنین هویت تجسم‌یافته‌ی دور از دسترس افراد شرایطی برای بیان تمایلات، رنج‌ها و اضطراب‌هایی خلق می‌کند که نوجوان از بیان آزادانه‌ی آن‌ها در جهان واقعی یا خودداری کرده است یا منع می‌شود. بنابراین، مطالعه‌ی آثار ادبی مبتنی بر فضای سایبری، فرصتی برای بررسی تمایلات و رنج‌های شخصیت نوجوانان، به‌ویژه دختران است. در راستای نیل به این هدف است که بیشتر داستان‌های نوجوان، از دید اول‌شخص و از منظر شخصیت نوجوان با استفاده از قالب زبانی خاص (زبان نوجوانان) روایت می‌شوند که به‌بازنمایی تصمیمات نوجوان در رویارویی با هنجارها، مشکلات و نهادهای قدرت می‌پردازند. اگرچه این آثار می‌کوشند به‌نحو مستقیم یا غیرمستقیم به‌بازنمایی تهدیدهای عملی ناشی از این تعاملات در فضایی خارج از نظارت والدین بپردازند؛ اما تمرکز کلی این آثار، اغلب بر دگرگونی هویتی و رشدیافتگی نوجوان در پایان داستان متمرکز است. محمدخانی نیز در اثر خویش به‌خوبی در راستای این هدف گام برداشته است.

۴.۱. برایم شمع روشن کن: تکنیک نامه‌نگاری الکترونیک

محمدخانی در رمان *برایم شمع روشن کن*، به شرح زندگی دختری دوازده ساله به نام سارا صبوری می‌پردازد. داستان از دیدگاه اول‌شخص و از سوی سارا، قهرمان داستان، روایت می‌شود. سارا، تک‌فرزند خانواده است و با پدر و مادر خویش در مجتمعی آپارتمانی در تهران زندگی می‌کند. خانه‌ی پریسا، دوست صمیمی سارا هم در همان مجتمع و روبه‌روی آپارتمان سارا است. اما خانواده‌ی پریسا مدتی است که از آن مجتمع نقل مکان کرده‌اند و سارا تنها شده‌است. تنهایی سارا با سکتی مغزی ناگهانی مادرش دوچندان می‌شود؛ مادری که به کما رفته و با کمک دستگاه‌های پزشکی زنده است. پدر سارا مهندس معمار است و مدتی است که به‌دلیل مریضی همسرش، کنترل زندگی از دستش خارج شده است. پدر، صبح‌ها زودتر از سارا از منزل خارج می‌شود و آخرشب پس از سرزدن به بیمارستان، به خانه برمی‌گردد. سارا اکنون نه دوستی در مجتمع دارد و نه خواهر و برادری که با آن‌ها سرگرم باشد. او حتی از وضعیت مادر خویش نیز بی‌اطلاع است و از روز حادثه، وی را ندیده است. پدر سارا نیز از بیان وضعیت همسرش به دخترش خودداری کرده است و به‌دلایل

^۱ Kevin Robins

متنوع از بردن سارا به ملاقات مادرش امتناع می‌ورزد. سارا هیچ فامیلی از طرف خانواده‌ی مادری ندارد و صرفاً «مامانی»، مادر بزرگ پدری‌اش، در قید حیات است. سارا رابطه‌ی صمیمانه‌ای با مامانی ندارد و اصلاً با وی راحت نیست و ترجیح می‌دهد تنها باشد تا با پیرزنی کم‌شناختر روزهای خود را سپری کند. زندگی سارا خلاصه می‌شود در توالی تکراری رفتن به مدرسه و بازگشت به خانه‌ای خالی از والدین و فکر کردن به این موضوع که بیماری مادرش چه می‌تواند باشد.

در همین حین، سارا از سر دلتنگی، آلبوم عکس‌های مادرش را ورق می‌زند؛ در یکی از آلبوم‌ها با عکس‌های جشن تولد پنج‌سالگی مادرش روبه‌رو می‌شود. در این عکس‌ها پسر جوانی که کنار مادرش نشسته، توجه سارا را به‌خود جلب می‌کند. نام این پسر در پشت عکس، «پیروز» ثبت شده است. کنجکاوی سارا از دیدن آن عکس چنان تحریک می‌شود که در اینستاگرام صفحات کلیه‌ی افرادی که با نام پیروز ثبت‌شده را بررسی می‌کند: «راستی شما می‌دانید توی اینستاگرام چندتا پیروز وجود دارد؟ یک‌عالم... شما سی‌وششمین پیروزی بودید که صفحه‌اش را باز کردم» (محمدخانی، ۱۳۹۷: ۹). این اولین گام آشنایی سارا با مرد غریبه‌ای به نام پیروز است. پس از آن، سارا با این مرد شروع به نامه‌نگاری می‌کند و نخستین ایمیل خود را ارسال می‌کند. سارا در اولین ایمیل خود، ماجرای عکس‌ها را برای پیروز تعریف می‌کند و به‌شبهت آن پسر جوان با عکس‌های موجود در صفحه‌ی اینستاگرام پیروز اشاره می‌کند: «امروز دوباره رفتم و عکس‌های جشن تولد مامانم را نگاه کردم. بعد دوباره عکس‌های صفحه‌ی شما را دیدم. مگر می‌شود دوتا آدم اینقدر شبیه هم باشند؟ باور کنید نمی‌شود!» (همان: ۸). سارا فکر می‌کند که فامیل مادری‌اش را یافته است و هدف خود را از ارسال این ایمیل، خوشحال کردن مادرش با «یک اتفاق هیجان‌انگیز» برمی‌شمرد تا با دیدن دوباره‌ی کسی که قبلاً می‌شناخته هیجان‌زده شود. از منظر ساختاری، غالب پیرنگ شمع‌ی برایم روشن کن از طریق ارسال و دریافت ایمیل بین سارا و پیروز روایت می‌شود. مانند دیگر آثار نامه‌نگارانه، حادثه‌ی خاصی در دنیای بیرون از ایمیل‌ها اتفاق نمی‌افتد. مخاطب از طریق این نامه‌هاست که می‌فهمد مادر سارا در بیمارستان است؛ پسری در مسیر مدرسه مزاحم سارا شده است یا سارا روزی مقابل در مدرسه سیلی محکمی به صورت این پسر می‌زند. حتی سارا درباره‌ی شیطنت‌های خود صرفاً با پیروز صحبت می‌کند، درحالی‌که مادر بزرگ یا پدرش از ماجرای فرار وی از مدرسه یا ماجرای ترقه‌های منفجرشده در سطل زباله‌ی مدرسه کاملاً بی‌اطلاع هستند. سارا در مجموع، ۲۸ ایمیل برای پیروز ارسال می‌کند و از این طریق، خواننده را در جریان تصمیمات، احساسات، رنج‌ها و تردیدهایی که یک دختر نوجوان امروزی با آن‌ها درگیر است، قرار می‌دهد. روایت محمدخانی با آخرین ایمیل سارا به پیروز، به‌پایان می‌رسد. در این ایمیل سارا علت در دسترس نبودن خویش را مشغله‌ی پرستاری از مادر بیمارش برمی‌شمرد. سپس روایت بی‌آنکه به نقطه‌ی خاصی ختم شود، به‌پایان می‌رسد. حادثه و پیرنگ داستان را صرف عمل نوشتن شکل می‌دهد و این پیرنگ هرنوع پایانی را نفی می‌کند. رمان نامه‌نگارانه و نوشتار زنانه، زبان و ارزش‌های فرهنگ حاکم را واژگون می‌کنند. در رمان نامه‌نگارانه با پایان باز، فرایند نوشتن و تلاش بر شنیده‌شدن، بسیار مهم‌تر از به‌پایان‌رساندن و تحمیل پایانی بر آن است. (Campell, 1995: 333)

در بیشتر فصل‌ها خواننده با یک ایمیل ازسوی سارا روبه‌رو می‌شود. هر ایمیل بخش جدیدی از شخصیت، افکار و مشکلات سارا را برای خواننده افشا می‌کند. بیشتر این نامه‌ها، شبیه تک‌گویی‌های افشاگرانه‌ای هستند که در قالب پست الکترونیک و تعامل با مردی غریبه در آن‌سوی آب‌ها، در آمریکا، بازنمایی می‌شوند؛ مردی که شاید دایی ناتنی سارا باشد، شاید هم نباشد.

نقطه‌ی اشتراک دیگر اثر محمدخانی با آثار نامه‌نگارانه، ماهیت گفتگومحور (دایلوژیک) اثر و برجستگی ماهیت «چندصدایی»^۱ آن است. به گفته‌ی فلنگن، روایاتی که «در پی تقلید اشکال ارتباطی برخط هستند، ماهیتی چندصدایی دارند، زیرا دیدگاه‌های شخصیت‌های گوناگون را هم‌زمان در اختیار خواننده قرار می‌دهند» (Flanagan, 2014: 16). در جریان تلاقی این دیدگاه‌ها است که گفتمان‌های مختلف قدرت و کلیشه‌های فرهنگی به‌چالش کشیده می‌شوند. درحالی‌که گفت‌وگوی سارا با پدر و دیگران، بازنمای رابطه‌ای سلسه‌مراتبی و تقابل گفتمان‌های خرد و کلان است، در فرایند ارتباط سارا با پیروز، خواننده شاهد تعامل گفتمان‌های زنانه/ مردانه، نوجوان/ بزرگسال و شنیده‌شدن صداهای متفاوت است. این امر از تفاوت نحوه‌ی تعامل سارا با پدر و پیروز حکایت دارد. رابطه‌ی سارا با پدر، پیش از هرچیز، انعکاس تقابل نوجوان با نهاد قدرت مردانه است: «وقتی بابا حرف می‌زند، سرم را می‌اندازم پایین و با تبلت بازی می‌کنم. گاهی هم می‌گویم هوم که یعنی می‌شنوم... خوبی‌اش این است که توقع ندارد من جوابش را بدهم» (محمدخانی، ۱۳۹۷: ۱۵۵). ماهیت این ارتباط در لحن گفتاری آکنده از ناراحتی و عصبانیت سارا به‌خوبی دیده می‌شود؛ ماهیت از بالا به پایین این تعامل، گاهی چنان است که سارا سعی می‌کند در کوتاه‌ترین و سریع‌ترین شکل ممکن ارتباط با پدر را خاتمه دهد.

به‌علاوه، زبان به‌کارگرفته‌شده نیز ماهیت تعاملی سارا با پدر و پیروز را افشا می‌کند. ساختار بیشتر جملات پدر، امری و متحکمانه است و سارا در مقام زیردست، اغلب ملزم به اطاعت صرف و سکوت است. عکس‌العمل سارا به این تک‌گویی‌های (مونولاگ‌های) حاکم بر رابطه‌ی وی با پدر، ارتباط‌نگرفتن مجدد است؛ به‌دیگرسخن، سارا مراتب اعتراض خود مبنی بر شنیده‌نشدن صدایش در این ارتباط را با قهرکردن به پدر اعلام می‌کند: «با بابا قهرم. دیگر نمی‌شمرم بار چندم است که باهم قهر می‌کنیم... حقش است، الکی سرم دادویداد کرد» (همان: ۱۵۹).

در زوایه‌ی مقابل ارتباط سلسه‌مراتبی سارا با پدر، خواننده شاهد تعامل سارا با پیروز است. این تعامل، بازنمای ارتباطی افقی و مبتنی بر قدرت برابر طرفین گفت‌وگو است. برآیند این حس برابری در پرسش‌های سارا از پیروز و کنجکاوی درباره‌ی عقاید، اندیشه‌ها و گذشته‌ی وی بروز و ظهور دارد: «شما نوجوان بودید از این کارها می‌کردید؟ می‌رفتید دخترها را توی خیابان می‌ترساندید؟» (همان: ۱۳۹). این دو نوع تعامل در فضای واقعی و مجازی، شخصیت متناقضی از سارا به‌دست می‌دهند؛ گویا فضای مجازی نوعی تغییر هویت در سارا رقم می‌زند که با پیش‌نویس‌های جنسیتی و اجتماعی تثبیت‌شده در تعارض است. حتی این تغییر در پیروز نیز مشاهده می‌شود. اگر در ایمیل‌های اولیه، پیروز در قالب دوگانه‌ی بزرگسال/ نوجوان، با سارا تعامل دارد و در تلاش است هرچه زودتر از شر ایمیل‌های گاه‌وبیگاه وی رها شود، در ایمیل‌های پایانی دیدگاه کاملاً متفاوتی را به‌نمایش می‌گذارد؛ به‌طوری‌که برخلاف کلیشه‌های جنسیتی و فرهنگی رایج درباره‌ی زنان و نوجوانان، سارا منبع امید، شجاعت و الهام ازسوی پیروز معرفی می‌شود: فکر می‌کردم گرفتن هر ایمیلی از تو حالم را بدتر کند، اما وقتی ایمیل را باز می‌کنم و می‌بینم از تو نامه دارم کمی بهتر می‌شوم... به شجاعت تو افتخار می‌کنم... سارا، من خیلی پیرم برای دوباره‌ساختن. حضور تو بود که امیدوارم کرد به کلماتی مثل رؤیا و آرزو. تا ابد مدیون تو هستم» (همان: ۱۵۳).

این چندصدایی حاکم بر متن، با «چندزبانگی» موجود در روایت، برجسته‌تر می‌شود. «ترکیب انواع رجیسترهای زبانی در متن رمان، ابزاری در راستای تقابل و تعامل انواع ایدئولوژی‌ها و جهان‌بینی‌ها به‌دست می‌دهد» (McHale, 2004:)

^۱ polyphony

166). این چندزبانی را می‌توان برآیند درآمیختگی زبان خاص سارا و هم‌سن‌وسالان وی با گفتار تحکم‌آمیز و رسمی پدر و زبان شاعرانه و استعاری پیروز برشمرد که از یک سو ماهیت وجودی هریک از شخصیت‌ها را بازنمایی می‌کند و از سوی دیگر با مرکزیت‌زدایی از گفتاری واحد، ماهیتی دموکراتیک به اثر می‌بخشد.

اما نکته‌ی درخور توجه در اثر محمدخانی آن است که علی‌رغم کاربرد مناسب ساختار ایمیل در راستای بازنمایی وضعیت دختران نوجوان، وی نتوانسته است از ویژگی‌های زیباشناختی فرمت ایمیل در فضای روایی داستان خود استفاده کند. برخلاف روش مرسوم در آثار نامه‌نگارانه‌ی مدرن، در اثر محمدخانی از فرمت‌بندی قالب ایمیل (تاریخ نامه، نویسنده، گیرنده و موضوع پیام) خبری نیست؛ حتی متن نامه‌ها از منظر پاراگراف‌بندی، نوع قلم، اندازه‌ی قلم، فاصله‌گذاری و صفحه‌آرایی از روایت اصلی متمایز نشده است تا بتواند فضای سایبری را در ذهن خواننده تداعی کنند. تقریباً خواننده با هیچ تنوع توپوگرافی در اثر محمدخانی روبه‌رو نمی‌شود. تنها تغییر، کاربرد فونت مورب و متفاوت برای اعلام شماره‌ی هر ایمیل در ابتدا و برای امضای «سارا» در انتهای متن هر نامه است. صرفاً این نوع قلم و اندازه‌ی متفاوت آن است که هر ایمیل را از مابقی متن متمایز کرده است؛ گویا هدف از کاربرد ایمیل، ایجاد فرصتی برای بیان یا حذف چیزهایی بوده که سارا با آن‌ها روبه‌رو شده است. این هدف با ماهیت شفاهی‌محور^۱ روایت که معمولِ رمان‌های نامه‌نگارانه است، نیز منطبق است (Altman, 1982: 135). درواقع هدف از نامه‌نگاری ازسوی سارا، صحبت‌کردن با فردی دیگر درباره‌ی مشکلات خویش، درک بهتر شرایط و تصمیم‌گیری درست است و نامه‌ی الکترونیک، راحت‌ترین و در دسترس‌ترین ابزار است: من فقط دلم می‌خواهد بنویسم. دلم می‌خواهد با یکی حرف بزنم. اگر حرف بزنم به‌زودی منفجر می‌شوم! شما که این را نمی‌خواهید؟ پس اگر دلتان نخواست بخوانید و جواب بدهید، یک کلیک کنید تا زحمتتان کم شود. نمی‌شود که همه کارهای سخت را من بکنم (محمدخانی، ۱۳۹۷: ۱۱۱).

نکته‌ی دیگری که اثر محمدخانی را متمایز می‌کند آن است که این نامه‌ها نسبت به انتظار خواننده از یک ایمیل (به‌منزله‌ی ابزار ارتباطی فوری)، بسیار طولانی‌تر و مبسوط‌تر هستند. نامه‌های سارا مملو از سؤال‌هایی درباره‌ی فرهنگ جامعه‌ی ایرانی و رفتار مردان جوان است. متن نامه‌های سارا بیش از هرچیز، تداعی یک گفت‌وگوی دوفره است؛ گویا هرکجا که سارا نیاز به راهنمایی فکری، عاطفی و تخلیه‌ی هیجان‌هایی نظیر خشم و اندوه داشته، شروع به نوشتن نامه به پیروز کرده است و در قالب گفت‌وگویی خودمانی، تلاش می‌کند پاسخی برای سؤال‌های خود بیابد. ازاین‌رو به‌نظر می‌رسد که علی‌رغم کنجکاوی اولیه، مداومت سارا بر نامه‌نگاری با پیروز، بازنمای تلاش نوجوانی در راستای درک «خود» و جهان پیرامون خویش است.

۴.۲. برایم شمع روشن کن: هویت و نظارت

اگر مهم‌ترین ویژگی فضای مجازی، درهم‌نوردیدن مرزهای زمانی و جغرافیایی باشد، سیالیت، ارمغان ویژه‌ی این فضا خواهد بود؛ زیرا این فضای شناور، امکان تعامل با دیگری را در غیاب نظارت نهادهای قدرت و در ورای مرزهای جغرافیایی، فرهنگی و جنسیتی فراهم می‌آورد. درپی این امر، دسته‌بندی‌های هویتی که بر مبنای مقوله‌هایی مانند نژاد، طبقه‌ی اجتماعی، جنسیت و مذهب صورت گرفته‌اند نیز تحت تأثیر این فضا ارزیابی مجدد می‌شوند. با «بازارزیایی

^۱ oral mode

سیاست‌های هویتی پیشین، انتظار آینده‌ای فرای ادراک پیشین از مقوله‌ی هویت» می‌رود (Moses, 2014: 2)؛ آینده‌ای که در آن مقوله‌ی هویت نوعی «برساخت اجتماعی» با ماهیتی مستقل از مقوله‌های آناتومی، نژاد و مذهب تلقی می‌شود؛ نوعی امری «کنشی»^۱ که فرای گفتمان اصالت‌گرایی اومانیزیسم و ثبات وجودی «خود» درنظر گرفته خواهد شد. البته این مهم به‌گفته‌ی جودیت باتلر،^۲ در پی مبارزه با چارچوب‌های محدودکننده‌ای رخ خواهد داد که در پی تولید هویتی ثابت و قاعده‌مند هستند؛ مبارزه‌ای که صرفاً از درون یک ساختار ممکن می‌شود (رک. Butler, 2011: 2). به‌دیگرسخن، سوژه محصول چارچوب‌های هنجاری محدودکننده است؛ یعنی، اگر یک سوژه «دختر است»، این امر به‌این دلیل است که چارچوب‌های هنجاری «دختربودن» از طریق هزار کنش گفتاری مختلف و محدودیت‌های هنجاری (نظیر کد لباس و رفتار)، برای وی تکرار می‌شوند. [اما لازم به‌ذکر است که] امکان مقابله نیز در دل همین چارچوب‌های هنجاری قرار دارد که به تولید و تأدیب سوژه می‌پردازند (Moses, 2014: 2).

در مسیر بازنویسی هویت، ضرورت مبارزه از درون علیه یک ساختار را می‌توان به چگونگی مکانیسم قدرت مرتبط دانست. فوکو در تعریف خویش از مکانیسم قدرت، معتقد است که قدرت همواره وجود دارد و هیچ‌کس قادر نیست که بیرون از ساختار قدرت قرار بگیرد (Foucault, 1980: 141). بنابراین، هیچ‌گاه فضایی خارج از حیطه‌ی قدرت نیست که از آنجا بتوان علیه قدرت مبارزه کرد. به‌عبارت‌دیگر، «مبارزه علیه قدرت، نباید از جایی دیگر آغاز شود تا واقعی پنداشته شود... درواقع، فلسفه‌ی ماهیت وجودی مقابله، در فضایی امکان‌پذیر می‌شود که ساختار قدرت موجود است» (Foucault, 1980: 141). درنتیجه‌ی این تعامل با واکنش علیه ساختار قدرت است که ادراک فرد از مقوله‌ی عاملیت و هویت، خلق و دست‌خوش تغییر می‌شود. درواقع، ابراز این عاملیت، نوعی از مقابله و اقدامی برای کسب قدرت است. بنابراین می‌توان گفت در آثاری که بر مقوله‌ی بازنویسی هویت متمرکز هستند، «شخصیت‌های داستانی در راستای تغییر یا گریز از فضاهایی نظیر خانواده، نهادهای قضایی و درمانی یا کلیه‌ی فضاها‌ی فرهنگی هستند که به نوعی بر اصالت وجود دلالت دارند» (Moses, 2014: 11). اما از منظر موزز، چون انفکاک کامل فرد از جامعه غیر ممکن به‌نظر می‌رسد، این شخصیت‌ها در پی خلق فضایی موقت یا خیالی هستند که در آن هویت فردی، قابلیت بازبینی و بازسازی را دارد (ibid).

سارا، شخصیت داستان محمدخانی، این فضا را در دنیای مجازی و در ارتباط با مردی به‌نام پیروز (دایی ناتنی خویش) خلق می‌کند. ارتباط سارا با پیروز، به‌منزله‌ی چالش با تمام ساختارهای جنسیتی، مذهبی و فرهنگی است که سارا در دنیایی واقعی لحظه‌به‌لحظه با آن‌ها مواجه می‌شود و از آن‌ها به «هیولاهایی» تعبیر می‌کند که در پشت سرش تندتند نفس‌نفس می‌زنند و آماده‌ی بلعیدن وی هستند. مادر بزرگ و پدر سارا در کنار مسئولان مدرسه، نمایندگان ساختارهای قدرت و دوانگاره‌های اجتماعی و فرهنگی حاکم بر زندگی سارا هستند. ساختارهایی که سارا در تلاش است تا به طرق مختلف آن را مدیریت کند: گاهی خودش را به‌خواب می‌زند یا خواب را بهانه می‌کند تا از حرف‌زدن سرباز زند؛ گاه به تنهایی پناه می‌برد؛ گاه به تبلتش؛ گاه به جهان فانتزی رمان‌های پرسی جکسون و هری پاتر. برای سارا تمام این‌ها، روش‌هایی برای دراختیارگرفتن زمام زندگی شخصی خویش است. درواقع گریز از ساختارهایی که پیوسته بر وی تحمیل می‌شود: «اگر بیاید دیگر بر نمی‌گردم پیش بابا. بابا می‌گذارد جای خانه‌ی مامانی، پیش یک فامیل دیگر مثلاً دایی‌ای چیزی بمانم...

¹ performative

² Judith Butler

نه؟ تورابه‌خدا زودتر بیاید و نجاتم بدهید!» (محمدخانی، ۱۳۹۷: ۸۰). درک ساختارهای جامعه‌ای که صرفاً سؤال می‌پرسد، دستور می‌دهد، سلیقه‌اش را بر فرد تحمیل می‌کند، ولی پاسخگو نیست، برای سارا بسیار سخت است. از این‌رو تعامل سارا با ساختارهای نظارتی و دوانگاره‌های سنتی، پیوسته مبتنی بر نوعی چالش است: از خوردن پنیر با کره گرفته تا بی‌مسئولیتی عوامل مدرسه، تا بی‌توجهی پدر به سارا و پنهان‌کاری‌هایش، تا قضاوت‌های مامانی درباره‌ی اسامی و مذهب خانوادگی آرمینه (همسایه‌ی ارمنی سارا)، تا تحقیر سارا برای زدن پسر مزاحم مقابل در مدرسه.

گاه تحمل این ساختارهای نظارتی چنان برای سارا سخت و غیرممکن می‌شود که دست به فرار می‌زند. در طول داستان، سارا دوبار اقدام به فرار می‌کند: یک‌بار از مدرسه به ایستگاه مترو فرار می‌کند و در ایستگاه‌ها می‌چرخد و آخر شب به‌اجبار مأمورین از مترو پیاده می‌شود؛ یک‌بار هم شب‌هنگام، وقتی در خانه‌ی مامانی است، اقدام به فرار می‌کند که ناموفق است. اقدام سارا به فرار را درواقع می‌توان نوعی اعتراض به وضعیت موجود وی برشمرد؛ وضعیتی شبیه آنکه «انگار هیچ‌چیزی دست خود آدم نیست» (همان: ۸۵). همین نبود کنترل سارا بر روی شرایط زندگی خویش، سبب می‌شود تا سارا از اضطراب و افسردگی سخت رنج ببرد، تا آنجاکه برای پیروز بنویسد که دیگر «خودم را دوست ندارم. چه‌جوری بگم؟ انگار یک نفر توی من را پر کرده باشد از چیزهایی که دوست ندارم. چیزهایی که من نیستند. خوشحالم که می‌توانم این‌ها را برایتان بگویم. بگویم که از دست بابایم خسته شده‌ام» (همان: ۷۴)؛ زیرا تجربه‌ی این دوگانه‌ها و تقابل با آن‌ها برای فردی چون سارا که ذهنیتی سیال دارد، بسیار گیج‌کننده است. برخلاف سارا که به‌راحتی تفاوت‌ها را می‌پذیرد و معتقد است «چه فرقی می‌کند؟ در دنیای پیرامون وی، هرچیزی با برچسب خوب/ نامناسب طبقه‌بندی می‌شود. گاه ناتوانی سارا در حل این تعارضات تا حدی می‌رسد که آرزو می‌کند «کاش همه‌ی مشکلات دنیا راه‌حلی ساده مثل همین کلیک‌کردن داشتند. کاش یکی مرا کلیک می‌کرد و پاکم می‌کرد. این‌جوری همه‌چیز راحت‌تر بود، نه؟» (همان: ۱۱۱). این آرزو، اوج ناامیدی سارا را از زندگی آشفته‌ی خویش می‌رساند؛ اما کورسوی امید سارا برای گذراندن تمامی این شرایط بحرانی، وجود پیروز و سخنانش است. این پیروز است که با حضورش شرایط متفاوت می‌شود.

پیروز، همان مأمّن سارا در برابر جامعه‌ی بی‌رحم و بی‌تفاوت بیرون است. جامعه‌ای که با دنیای آستانه‌ای سارا در تضاد است؛ همان منبع عاطفی که سارا از وجود آن نه‌تنها در خانواده، بلکه در مدرسه نیز محروم است. اگر سارا در رویارویی با پدر، همواره به سرکوب احساسات و افکار خود می‌پردازد و قادر به بیان مشکلات خود نیست، اما در نامه‌های الکترونیک خود از خصوصی‌ترین افکار و احساساتش با پیروز صحبت می‌کند. ماهیت نامه‌های سارا انعکاسی از «واکنش‌های وی به سختی‌ها و وسوسه‌های درونی است» (Perry, 1980: 86) و تعامل با پیروز، فضایی فارغ از قضاوت، تحقیر، سانسور و سلسله‌مراتب برای سارا رقم می‌زند؛ همان تعاملی که هر فرد در زندگی شخصی خویش، به‌شدت به‌آن نیازمند است، حتی اگر غیرواقعی و متعلق به دنیای مجازی باشد. درواقع، این نیاز شدید به تعامل در فضایی خالی از حضور والدین و دوستان صمیمی است که سارا را به فضای مجازی راغب‌تر می‌کند: «نمی‌دانید چقدر معرکه است که می‌دانم یک نفر توی این دنیا هست که حرف‌هایم را می‌خواند» (محمدخانی، ۱۳۹۷: ۱۳۷). در زمانی که پدر سارا بی‌توجه به دخترش در پیچ‌وخم رفتاری‌های زندگی گم‌شده است، ولی با نظارتی سخت از ارتباط سارا با دوست یا همسایه جلوگیری می‌کند، سارا در فضای مجازی برای خودش جشن تولد می‌گیرد: «عکسی را که توی آسانسور از خودم گرفته‌بودم، گذاشتم و زیرش نوشتم که تولدم است. یک عالم پیغام تبریک داشتم، از یک‌عالمه آدم که نمی‌شناختمشان» (همان: ۱۳). دریافت حمایت‌های روانی

از این دست، برای گروه نوجوان، به‌ویژه در هنگام تنهایی یا بروز مشکلات، به ایجاد احساس تعلق به این فضا و وابستگی روزافزون آن‌ها منجر می‌شود.

به‌دیگرسخن، گذری راحت و بدون دغدغه از مرزها و دوانگاره‌های موجود که در جهان واقعی امری غیرممکن به‌نظر می‌رسد، از دیگر دلایل جذابیت این فضا است. حس حرکت آزادانه‌ای که با این فضا تداعی می‌شود، «حس حضور جهانی دیگر در اینجا و اکنون»، یکی از بارزترین دلایل اقبال سارا و دیگر نوجوانان به این فضا است (رک. Toivanen, 2016: 138). درواقع این فضا در تعارض با کلیه محدودیت‌هایی است که ساختارهای نظارتی بر سارا تحمیل می‌کند: «فناوری‌های نوین از طریق ایجاد قابلیت انواع سفر که محدود به سفر جغرافیایی نیست، به‌نوعی خلق مساوات در عرصه‌ی آزادی عمل دست زده‌اند. فرد دیگر لازم نیست که آن‌قدر درباره‌ی پتانسیل‌های آزادی عملش، هیجان‌زده باشد» (Toivanen, 2016: 148)؛ از این‌روست که اولین تنبیهی که پدر سارا علیه وی اعمال می‌کند، آزادی حرکت وی را نشانه می‌رود و سارا را به‌نحو غیرمستقیم در منزل خودشان یا خانه‌ی مامانی محصور می‌کند؛ زیرا «آزادی حرکت، موهبتی است که اغلب به‌نحو مساوی تقسیم نمی‌شود» (ibid).

افزون‌بر این، موهبت آزادی عمل که فضای مجازی در اختیار نوجوان قرار می‌دهد، کنترل فرد بر محیط در این فضا، درمجموع بیش از دنیای واقعی است. در دنیای مجازی سارا، پیروز در صفحه‌ی تابلت محصور شده است و مانند پسر مزاحم در داستان، ماهیت وجودی و فیزیکی سارا را تهدید نمی‌کند. حضور پیروز در زندگی سارا کنترل‌پذیر است و سارا می‌تواند با یک کلیک، وی را از فضای زندگی خویش حذف کند. این قابلیت اعمال کنترل بر محیط، خواسته‌ی هر نوجوانی است و دلیل عمده‌ی مقابله‌ی وی با ساختارهای نظارتی و کنترل‌گر بیرونی است.

از لابه‌لای تعارض‌ها با ساختارهای قدرت بیرونی و تعامل با فضای سایبری است که هویت سارا فرای مرزهای جنسیتی، مذهبی و فرهنگی شکل می‌گیرد. رویارویی سارا با ساختار چندصدایی و چندگانه‌ی فضای مجازی، وی را به خلق جهانی آستانه‌ای و سیال در ماورای دوانگاره‌ها رهنمون می‌شود؛ جهانی غیرسلسله‌مراتبی که مبتنی بر ادراک متقابل است. در این جاست که سارا می‌آموزد به‌جای مبارزه‌ی مستقیم علیه ساختار، سعی کند آن را بفهمد و بر آن تأثیر بگذارد: «این را تازگی کشف کرده‌ام. هرکسی توی سرش زبان خودش را دارد، خیلی سخت است زبان‌های آدم‌های دیگر را یاد بگیرم، مخصوصاً زبان بابا را! مطمئنم اگر زبانش را یاد بگیرم، دیگر این همه دعوایمان نمی‌شود» (محمدخانی، ۱۳۹۷: ۱۴۴)؛ یا در انتهای داستان تعاملات انسانی را مقوله‌ای فرای سنت و تقابل‌های دوگانه برمی‌شمرد و بر ایجاد رابطه‌ای افقی و برابر با جهان پیرامون تأکید دارد: «امروز مامانی گفت: «خانم روبه‌رویی رو دیدم توی آسانسور. چه خانم خوبی بود. فقط حیف که...» بعد بقیه‌ی حرفش را خورد. فکر کنم به‌خاطر نگاه من. من حرف شما را (پیروز) برای مامانی تکرار کردم: محبت، آدم‌ها رو به‌هم وصل می‌کنه» (همان: ۱۴۴)؛ یا سعی می‌کند که فشار روانی موجود بر پدرش را درک کند: «به این فکر کردم که بابا هم دارد تمام تلاشش را می‌کند، مثل من، مثل مامانی، مثل آرمینه و به این فکر کردم که بابا جلوی مدرسه ایستاد و کاری را کرد که فکر می‌کرد درست است» (همان: ۱۵۰). درنتیجه‌ی چنین دیدگاهی است که رابطه‌ی سارا با مامانی و آرمینه بسیار خوب می‌شود و دیگر احساس تنهایی و رهاشدگی پیشین را ندارد. درواقع در پی این ادراک فرامرزی از جهان است که شمع روشن کردن مادر بزرگ آرمینه برای مادر سارا در روزهای یکشنبه، ارزش وجودی پیدا می‌کند و می‌تواند بر ماهیت جهان هستی تأثیرگذار باشد.

۵. نتیجه‌گیری

اثر محمدخانی را می‌توان پاسخی به رواج فناوری‌های دیجیتال در زندگی روزمره و تأثیرات گسترده‌ی فضای سایبری بر هویت قشر نوجوان برشمرد. با ترکیب سبک رمان‌های نامه‌نگارانه‌ی قرن هجدهم و تکنولوژی دیجیتال عصر حاضر، محمدخانی دست به خلق نوع جدیدی از رمان؛ به نام رمان نامه‌نگارانه‌ی پسامدرن زده است که در آن بخش گسترده‌ای از داستان، در قالب ایمیل‌های (پست الکترونیک) ارسالی بین سارا، قهرمان داستان و پیروز، دوست الکترونیکی وی، روایت می‌شود. روایت محمدخانی نه تنها چندصدایی آثار پسامدرن را از طریق تلاقی گفتمان‌های مردانه/ زنانه، بزرگسال/ نوجوان، «خود»/ «دیگری» و واقعیت/ فانتزی به‌نمایش گذاشته است؛ بلکه با صدابخشیدن به گروه‌های مختلف، فضا را برای تعامل انواع جهان‌بینی‌ها، گفتمان‌های قدرت و بازخوانی آن‌ها فراهم آورده است. محمدخانی در این اثر، در پی ترسیم نقش پررنگ فضای سایبری در بازتعریف هویتی و کنش‌گری اجتماعی قشر نوجوان، به‌ویژه دختران است. از این رو می‌کوشد با تمرکز بر گفت‌وگوهای روزمره و بازنمایی زندگی برخط سارا صبوری، نوجوانی دوازده‌ساله، تجربه‌ی ارتباط مستمر، وابستگی عاطفی نوجوانان به این فضا و نقش این فضا در پرکردن خلاء عاطفی آن‌ها را به تصویر بکشد. قهرمان داستان محمدخانی، دختر نوجوان معمولی است که مانند دیگر نوجوانان دختر با مسایل متفاوتی از قبیل: بحران هویت، درک‌نشدن توسط والدین، مشکلات شکاف نسلی، مشکلات بلوغ و ارتباط با جنس مخالف، تأثیر همسالان، رویارویی با نهادهای قدرت (خانواده، مدرسه) درگیر است. محمدخانی با استفاده از ماهیت شناور فضای مجازی و آزادی بیان حاکم بر آن، می‌کوشد از این فضا در راستای ترسیم رویارویی سارا با این مسایل بهره ببرد، درحالی‌که بر تأثیر مثبت این فضا، علی‌رغم نگرانی‌ها و تهدیدهای موجود بر رشد شخصیتی سارا تأکید می‌کند. چنین استدلال می‌شود که محمدخانی ماهیت سیال این فضا را فرصتی برای آزادی بیان و عمل، گریز از نظارت مدام خانواده و نهادهای نظارتی و همچنین گفت‌وگویی آزاد، برابر و فارغ از کلیشه‌های جنسیتی و جغرافیایی برای نوجوانان برمی‌شمرد؛ فضایی که با رقم‌زدن جوی پویا، شناور، دموکراتیک، غیرجنسیت‌زده به نوجوان این امکان را می‌دهد تا قابلیت وجودی خود را محقق کند و با واشکنی هنجارهای جنسیت‌مدارانه و چالش ساختارهای نظارتی بر بازخوانی ارزش‌های فرهنگ حاکم تأکید کند.

منابع

محمدخانی، مریم. (۱۳۹۷). *برایم شمع روشن کن*. تهران: افق.
 محمدزاده، فرزانه و علی‌اکبری، نسرين. (۱۴۰۲). «بازنمایی دیدگاه خواننده‌ی نهفته براساس شکاف‌های متنی ایدن چمبرز در رمان *برایم شمع روشن کن*». *مطالعات ادبیات کودک*، دوره‌ی ۱۴، شماره‌ی ۲، صص ۲۴۹-۲۷۶.

Doi: 10.22099/JCLS.2023.45155.1963

Altman, J. G. (1982). *Epistolarity: Approaches to a form*. Ohio State UP.

Butler, J. (2011). *Bodies that matter: On the discursive limits of sex*. Taylor & Francis.

Campbell, E. (1995). Re-visions, re-flections, re-creations: Epistolarity in novels by contemporary women. *Twentieth Century Literature*, 41, 332-348.

Denkova, J. (2015). The epistolary genre in the literature for youth by Gorjan Petrevski. *Hikmet, Journal of Scientific Research*, 13(25), 10-29.

Flanagan, V. (2014). *Technology and identity in young adult fiction: The posthuman subject*. Springer.

- Foucault, M. (1980). *Power/Knowledge: Selected Interviews and Other Writings, 1972-77*. Ed. Colin Gordon. Pantheon.
- Hayles, N. K. (1993). The seductions of cyberspace. Conley, Verena Andermatt (ed). *Rethinking Technologies*. University of Minnesota Press, 173–190.
- Hallet, W. (2018). Epistolary forms as semiotic and generic modes in the multimodal novel. *The epistolary renaissance: A critical approach to contemporary letter narratives in Anglophone fiction*, edited by Maria Löschnigg and Rebekka Schuh. De Gruyter, 125-142.
- Herzhauser, B. J. (2015). *The role of the interruption in epistolary young adult novels*. University of South Florida.
- McHale, B. (2004). *The postmodernist fiction*. Routledge.
- McNeill, L. (2012). There is no 'I' in network: Social networking sites and posthuman auto/biography. *Biography*, 35(1), 65–82.
- Mohammadkhani, M. (2017). *Light a candle for me*. Tehran: Ofog. [in Persian]
- Mohammadzadeh, F., and Ali-Akbari, N. (1402). Representation of the hidden reader's point of view based on Eden Chambers' textual gaps in *Light a candle for me*. *Children's Literature Studies*, 14(2), 276-249. [in Persian]
- Moses, C. (2014). *Dissenting fictions: Identity and resistance in the contemporary American novel*. Routledge.
- Nunes, M. (1999). Virtual topographies: Smooth and striated cyberspace. Ryan, Marie-Laure (ed). *Cyberspace textuality: Computer technology and literary theory*. Indiana University Press, 61–77.
- Perry, R. (1980). *Women, letters, and the novel*. New York: AMS.
- Robins, K. (2000). Cyberspace and the world we live in. Bell, David and Barbara M. Kennedy (eds). *The Cybercultures Reader*. New York: Routledge, 77–95.
- Showalter, E. (1985). *The new feminist criticism*. Pantheon Books.
- Stringer, S. A. (1997). *Conflict and connection: The psychology of young adult literature*. Boynton/ Cook.
- Subrahmanyam, K., & Greenfield, P. (2008). Online communication and adolescent relationships. *The Future of Children*, 119-146.
- Tapscott, D. (1998). *Growing up digital* (Vol. 302). San Francisco: McGraw-Hill Companies.
- Toivanen, A. L. (2016). Emailing/skyping Africa: New technologies and communication gaps in contemporary African women's fiction. *Ariel: A Review of International English Literature*, 47(4), 135-161.
- Trites, R. S. (2000). *Disturbing the universe: Power and repression in adolescent literature*. University of Iowa Press.
- Wasserman, E. (2003). The epistolary in young adult literature. *Alan*, 30(3).
<https://scholar.lib.vt.edu/ejournals/ALAN/v30n3/wasserman.html>.



Extended Abstract

Vol 16, Issue 1, Spring - Summer 2025, Ser 31

Functions of Epistle Writing in Young Adult Literature: A study of *Light a Candle for Me*

Zahra Taheri* 

Introduction

Adolescence is a period full of emotional and physical conflicts due to the onset of a young adult's interaction with all kinds of power structures, including family, school, religion, race, gender and social class. These interactions usually manifest in the form of painful experiences. In recent decades, these tensions have increased with the emergence of the cyberspace and its impact on the way young adults interact with power structures and social institutions. The tremendous impact of this space on young adults and on the way they interact with the family and power structures has led to extensive social changes in the western society, which is part of the mission of young adult literature. In fact, young adult literature, as a means that reflects the concerns, tensions, and problems of young adults, should inevitably deal with cyberspace and the ways it affects the lives of young adults. Therefore, young adult literature in Iran is also affected by the global community and the inevitable changes that have occurred, reflecting the role of the cyber space in the formation of the identity and young adults' interactions. In this regard, various works have been written, among which one can refer to the novel *Light a Candle for Me* (2017) written by Maryam Mohammad Khani.

Methodology and Review of Literature

The current research is a qualitative study deploying an analytical-descriptive method. In this research, Mohammad Khani's novel, *Light a Candle for Me*, belonging to the field of the young adult literature, is investigated in order to deal with the effect of the use of letter writing and cyber space on the young adult's understanding of the individual "self" and power institutions. For this purpose, the author compares two types of 'external' and 'virtual' reality throughout the narrative to examine the young adult's activism in the real space outside and in the virtual space and to identify any behavioral and perceptual differences. It is assumed that the cultural and social effects of the cyber space are represented through the ways in which the young adult interacts with the "self" and the prevailing gender and surveillance structures. Employing the views of Campbell and Flanagan and focusing on topics such as "cross-border citizenship", "technorealist" structure, and "subjectivity", this study seeks to answer the question of how to use the technique of e-mail writing to redefine the interaction of teenagers with power structures.

* Assistant Prof in English Language and Literature University of Kashan, Kashan, iran

ztaheri@kashanu.ac.ir

DOI: 10.22099/JCLS.2024.50475.2050



COPYRIGHTS ©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY-NC 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the Original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publisher.

Discussion and Findings

Among the types of prose, none has been subjected to as much critical definition and classification as "letter". The slow pace of the narrative, the lack of many events in the plot, along with the loneliness and isolation of the writer of the letters are the characteristics of the epistolary novel. It is in this isolation that the repetitive process of emotional self-exploration accelerates and the psychological nature of epistolary works is highlighted. These features have made epistolary novels into the favorite style of writers of young adult literature since young adults, as a minority on the margins, are often ignored by the power structures and their voices are heard less.

In fact, epistolary works give the young adult an opportunity not only to get acquainted with the social power structures but also to interact with the different layers of existing power. In other words, in these works, the young adult sets on a journey into the land of the 'self' by writing letters. The popularity of this type of literature has doubled with the emergence of cyber space and the replacement of classical correspondence with electronic correspondence (e-mail). This can be related to the fluid nature of this space. This fluidity, due to the "intermediate" feature of the letter, creates a new type of modern letter-writing literature, which is similar to technorealism in literature. The special importance of modern epistolary works is the ideological transformation in ways virtual reality is conceptualized. In other words, the emergence of the cyberspace leads to the formation of a dual conflict between "material reality" and "virtual reality" (and, accordingly, real identity/virtual identity). The basic point is the complementary relationship between these two types of "reality"; that is, a young adult's identity is not limited to his identity in the real world. His identity is, in fact, the result of his actions in both real and virtual spaces. Therefore, topics such as intimacy, sexual hierarchies and identity are subject to change under the influence of the interactive nature of cyberspace.

Mohammad Khani's novel is a response to the widespread effects of the cyberspace on the identity of the young adults with the spread of digital technologies. By combining the style of the 18th century epistolary novels and the digital technology of today, Mohammad Khani has created a new type of epistolary novel called the postmodern epistolary novel, in which a large part of the story, written in the form of electronic mails, is narrated through emails exchanged between Sara, the protagonist, and Pirouz, her electronic friend. Mohammad Khani's narrative not only depicted the polyphony of postmodern works through the intersection of male/female, adult/young adult, "self"/"other", and reality/fantasy discourses, but also created space for Interaction and rereading of various worldviews and discourses of power by giving voice to different groups. By representing the daily conversations and online life of Sara Sabouri, a 12-year-old teenager, Mohammad Khani depicts the experience and the emotional dependence of young adults on this space and the role of this space in filling their emotional void. Mohammad Khani's protagonist is an ordinary teenage girl who, like other teenage girls, is involved with issues such as identity crisis, parents' lack of understanding, generational gap, puberty problems and relationships with the opposite sex. Using the floating nature of virtual space and the freedom of expression that governs it, Mohammad Khani uses this space to depict Sara's confrontation with these issues while representing the positive effect of this space, despite the existing threats, on Sara's personality development.

Conclusion

It is argued that the expansion of the cyberspace along with the possibility of equal access by everyone has resulted in the formation of a heteroglossic, democratic ambiance, which triggers a polyphonic world. It is in this world of virtual reality that everybody's voice, especially young women's, is heard. The experience of such polyphony and freedom of maneuver on the part of women affects their conceptions of their 'selves' and their identities. No longer do they consider their identities an essential entity that is fixed and predetermined by norms set by liberal humanism. On the other hand, affected by the collective nature of the cyber space, these women consider identity as "performative" and fluid. That is, they approach identity as a social "construct" that lies somewhere beyond notions of anatomy, race, and religion. The result is the formation of female intersubjectivity that resists dominant power structures and gender norms.

Keywords: epistolary novel, technorealism, young adult literature, polyphony, Maryam Mohammad Khani

References:

- Altman, J. G. (1982). *Epistolarity: Approaches to a form*. Ohio State UP.
- Butler, J. (2011). *Bodies that matter: On the discursive limits of sex*. Taylor & Francis.
- Campbell, E. (1995). Re-visions, re-reflections, re-creations: Epistolarity in novels by contemporary women. *Twentieth Century Literature*, 41, 332–348.
- Denkova, J. (2015). The epistolary genre in the literature for youth by Gorjan Petrevski. *Hikmet, Journal of Scientific Research*, 13(25), 10-29.
- Flanagan, V. (2014). *Technology and identity in young adult fiction: The posthuman subject*. Springer.
- Foucault, M. (1980). *Power/Knowledge: Selected Interviews and Other Writings, 1972-77*. Ed. Colin Gordon. Pantheon.
- Hayles, N. K. (1993). The seductions of cyberspace. In Conley, Verena Andermatt (ed). *Rethinking Technologies*, 173–190, University of Minnesota Press.
- Hallet, W. (2018). Epistolary forms as semiotic and generic modes in the multimodal novel. In Maria Löschnigg and Rebekka Schuh (Ed.), *The epistolary renaissance: A critical approach to contemporary letter narratives in Anglophone fiction*, 125-142, De Gruyter.
- Herzhauser, B. J. (2015). *The role of the interruption in epistolary young adult novels*. University of South Florida.
- McHale, B. (2004). *The postmodernist fiction*. Routledge.
- McNeill, L. (2012). There is no 'I' in network: Social networking sites and posthuman auto/biography. *Biography*, 35(1), 65–82.
- Mohammadkhani, M. (2017). *Light a candle for me*. Tehran: Ofog. [in Persian]
- Mohammadzadeh, F., & Ali-Akbari, N. (1402). Representation of the hidden reader's point of view based on Aidan Chambers' textual gaps in *Light a candle for me*. *Journal of Children's Literature Studies*, 14(2), 276-249. [in Persian]
- Moses, C. (2014). *Dissenting fictions: Identity and resistance in the contemporary American novel*. Routledge.
- Nunes, M. (1999). Virtual topographies: Smooth and striated cyberspace. In Ryan, Marie-Laure (ed), *Cyberspace textuality: Computer technology and literary theory*, 61–77, Indiana University Press.
- Perry, R. (1980). *Women, letters, and the novel*. New York: AMS.
- Robins, K. (2000). Cyberspace and the world we live in. in Bell, David & Barbara M. Kennedy (eds). *The Cybercultures Reader*, 77–95, New York: Routledge.
- Robins, K. (1995). Cyberspace and the world we live in. *Body & Society*, 1(3-4), 135-155.
- Showalter, E. (1985). *The new feminist criticism*. Pantheon Books.
- Stringer, S. A. (1997). *Conflict and connection: The psychology of young adult literature*. Boynton/ Cook.
- Subrahmanyam, K., & Greenfield, P. (2008). Online communication and adolescent relationships. *The Future of Children*, 119-146.
- Tapscott, D. (1998). *Growing up digital* (Vol. 302). San Francisco: McGraw-Hill Companies.
- Toivanen, A. L. (2016). Emailing/skyping Africa: New technologies and communication gaps in contemporary African women's fiction. *Ariel: A Review of International English Literature*, 47(4), 135-161.
- Trites, R. S. (2000). *Disturbing the universe: Power and repression in adolescent literature*. University of Iowa Press.
- Wasserman, E. (2003). The epistolary in young adult literature. *Alan*, 30(3).
<https://scholar.lib.vt.edu/ejournals/ALAN/v30n3/wasserman.html>.